

تعیین و ارزیابی سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان خرما در برنامه‌های توسعه اقتصادی

سید صفدر حسینی^{۱*} - سهیل رضائی^۲

تاریخ دریافت: ۸۷/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۸۸/۸/۱۳

چکیده

هدف از انجام این مطالعه، برآورد مقدار حمایت از تولیدکنندگان خرما در کشور با استفاده از متدولوژی سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی است. در این پژوهش حمایت از تولیدکننده خرما، برای هر هکتار در طی چهار برنامه توسعه اقتصادی بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که، بر مبنای نرخ ارز سایه‌ای (واقعی)، میانگین حمایت از قیمت بازاری در هر هکتار در سال‌های برنامه اول و دوم، منفی و به ترتیب برابر ۳۹۷۶۰۲۵۹ و ۷۵۶۸۵۳ ریال است. میزان این حمایت‌ها در برنامه سوم مثبت و برابر ۸۸۶۸۷۸ ریال و در برنامه چهارم توسعه منفی و برابر ۲۲۵۲۱۴۳ ریال می‌باشد. برنامه اول، چهارم، سوم و دوم توسعه اقتصادی، با پرداخت‌های بودجه‌ای ۱۷۲۸۷۵۸۶، ۳۹۸۴۷۲۳۴، ۲۲۱۲۳۳۷۵، ۱۹۸۲۵۶۷ ریال در هر هکتار خرما، به ترتیب بیشترین پرداخت‌های بودجه‌ای را دارند. بنابراین برنامه سوم توسعه در حمایت از قیمت بازاری و برنامه دوم در حمایت‌های بودجه‌ای موفق‌ترین برنامه‌های توسعه‌ی کشور در تولید خرما هستند.

واژه‌های کلیدی: سیاست حمایت از تولیدکننده، حمایت از قیمت بازاری، پرداخت بودجه‌ای، خرما

مقدمه

امروزه یکی از مباحث مهم در مذاکرات تجارت جهانی، حذف حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی است. به همین دلیل، بررسی، شناخت ابعاد، ابزارها و چگونگی کارکرد حمایت‌ها می‌تواند به تنظیم جهت‌گیری سیاستی مناسب برنامه‌های توسعه مساعدت کند. حمایت از بخش کشاورزی، نیاز به هزینه‌های بالایی دارد، که بخشی از آن را مصرف‌کنندگان داخلی و بخش دیگر را دولت بر عهده می‌گیرد. بنابراین، حمایت در کشورهایی می‌تواند مطرح باشد که نخست مصرف‌کننده‌ی شهری توانایی پرداخت مالیات ناشی از حمایت را دارا باشد و همچنین دولت با توجه به اولویت‌های مختلف در توسعه صنعتی، توان پرداخت هزینه‌ی حمایت از بخش کشاورزی را داشته باشد (۱۹). با توجه به اینکه ایران دارای درآمدهای نفتی است، توانایی قرار گرفتن در زمره‌ی کشورهای صنعتی را دارد که از بخش کشاورزی خود حمایت می‌کنند، لذا می‌تواند در کنار توسعه صنعتی از درآمدهای نفتی به عنوان محرکی برای رشد و توسعه‌ی بخش کشاورزی توجه ویژه‌ای داشته باشد.

انواع حمایت از بخش کشاورزی را می‌توان به حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. سیاست‌های حمایت مستقیم؛ بطور مستقیم در تولید و درآمد کشاورزان موثر است. این نوع از سیاست‌ها با تضمین قیمت تولیدات و کاهش هزینه‌های تولید با اعطای یارانه به نهاده‌های تولید، باعث افزایش درآمد کشاورزان می‌شوند. از طرف دیگر سیاست‌های حمایتی غیرمستقیم، به‌طور غیرمستقیم بر کسب‌وکار کشاورزان یک ناحیه و حتی کشور تأثیر می‌گذارد. ایجاد زیرساخت‌هایی مانند، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مکانیزاسیون و تامین ماشین‌آلات کشاورزی، تحقیقات، بهداشت دام از سیاست‌های حمایتی غیرمستقیم هستند (۲۲).

امروزه حمایت از بخش کشاورزی در تجارت جهانی مورد توجه سیاست‌گذاران این بخش قرار دارد. بنابراین، پرسشی که مطرح می‌شود این است که، چرا حمایت از بخش کشاورزی برای رقابت و تجارت جهانی انجام می‌شود؟ و چرا سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی مورد ارزیابی سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد؟ در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، به این نکات باید توجه نمود که بخش کشاورزی در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، برای مقابله با نوسانات و کمبود مواد غذایی در جهان، افزایش درآمد تولیدکنندگان داخلی در صورت صادرات تولیدات در قیمت‌های جهانی، ارزآوری بخش کشاورزی با تولید محصولات دارای مزیت

۱ و ۲ - به ترتیب استاد و دانشجوی سابق کارشناسی ارشد سیاست و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه، تهران

* - نویسنده مسئول: (Email: hosseini_safdar@yahoo.com)

نسبی (مانند محصولات باغی)، بالاتر بودن کشتش درآمدی محصولات کشاورزی در سطح جهان از بازارهای داخلی در بسیاری از کشورها همواره باید مورد حمایت همه‌جانبه و اصولی سیاست‌گذاران در راستای مقررات و الزامات کاهشی سازمان تجارت جهانی باشد. هدف از انجام این مطالعه، برآورد دقیقی از میزان حمایت از تولیدکنندگان خرما در کشور بر مبنای روش تدوین شده از سوی سازمان توسعه و همکاری‌های مشترک اقتصادی است. در این مطالعه حمایت از تولیدکنندگان خرما، نخست بر اساس حمایت در هر هکتار بررسی می‌شود، سپس برنامه‌های توسعه اقتصادی در ارتباط با میزان حمایت از تولیدکنندگان خرما مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در ارتباط با برآورد حمایت از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، در برخی از کشورها و ایران پژوهش‌هایی انجام شده است. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۵) در گزارشی تحت عنوان "سیاست‌های کشاورزی در کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی: بازبینی و ارزیابی ۲۰۰۵"، ابتدا تعاریف و روش‌های محاسبه شاخص‌های حمایت از کشاورزی را برای کشورهای عضو سازمان بیان کرده و پس از آن به تحلیل نتایج حاصل از برآورد شاخص‌های حمایت برای آنها پرداخته است (۱۶). کاکمک (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ی خود با عنوان "ارزیابی سیاست‌های کشاورزی گذشته و آینده در ترکیه: آیا سیاست‌ها قادر به کسب پایداری هستند؟" نشان داد که بیش از ۷۰ درصد از درآمد انتقالی که به بخش کشاورزی این کشور صورت گرفته، از طریق مداخله در قیمت نهاده‌ها و ستاده‌ها بوده است و هزینه اولیه پرداخت‌های بودجه‌ای در حدود ۱ درصد تولید ناخالص ملی در هر سال بوده است. وی در این مطالعه، برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE)، برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE)، برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE)، برآورد حمایت از کل بخش کشاورزی (TSE) و شاخص‌های فرعی مربوط به هر یک از آنها را برای دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۶ محاسبه و تحلیل کرد و سپس نتایج را با نتایج مربوط به OECD مقایسه نموده است. وی معتقد است که سیاست‌های جاری، توسعه پایدار در کشاورزی ترکیه را تقویت نمی‌کنند (۵).

در ایران پژوهش‌هایی در ارتباط با مزیت نسبی در تولید، بازاریابی و تجارت خرما انجام شده است، در این ارتباط می‌توان به پژوهش، عباسیان و همکاران (۱۳۸۶)، عزیزی و یزدانی (۱۳۸۶)، شجری (۱۳۸۱)، عمادزاده (۱۳۸۱)، عزیزی و یزدانی (۱۳۸۳)، کاظم‌زاده و ابونوری (۱۳۸۵) اشاره کرد (۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲). در زمینه ارزیابی

سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی، می‌توان به پژوهش حسینی درویشانی و همکاران (۱۳۸۳) اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان "بررسی و مقایسه‌ی سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران و جهان" به بررسی سیاست‌های حمایتی از تولیدکننده، مصرف‌کننده و خدمات عمومی در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۰ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده سهم عمده یارانه‌های مصرفی در دوره مورد بررسی است. همچنین بخش زیادی از یارانه‌های تولیدی صرف نهاده‌های تولید می‌شود. بر اساس شاخص‌های محاسبه شده، در ایران بر خلاف کشورهای توسعه یافته، حمایت بیشتر به سمت مصرف‌کنندگان بوده است (۱۱). پرمه و سیدی (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان "سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین‌المللی و کشاورزی ایران" روش‌های موجود حمایت از بخش کشاورزی ایران را با تأکید بر حمایت داخلی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش سطح حمایت داخلی با معیار کلی حمایت اندازه‌گیری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت قیمتی محصولات مورد بررسی بر اساس نرخ آزاد ارز منفی است. بنابراین سیاست قیمت تضمینی از جانب دولت در مقایسه با قیمت‌های جهانی توانسته است نقش حمایتی در بخش کشاورزی ایجاد نماید و همواره این سیاست به ضرر بخش کشاورزی اجرا شده است؛ به عبارتی این حمایت منفی مالیات پنهانی است که دولت به کشاورزان تحمیل نموده است. همچنین بررسی روند یارانه‌های نهاده‌ای در دوره ۸۱-۱۳۶۸ گویای آن است که میزان یارانه‌های پرداختی به نهاده‌های کشاورزی بیش از ۱۷ برابر افزایش یافته است. بنابراین دولت با توزیع نهاده‌های ارزان از بخش کشاورزی حمایت به عمل آورده است. در نهایت نتایج نشان می‌دهد که سهم حمایت از ارزش تولید محصولات کشاورزی با احتساب سوخت در دوره ۸۱-۱۳۶۸ از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۸ افزایش یافته و از این سال به بعد با کاهش مواجه بوده است. حال آنکه با لحاظ نکردن یارانه سوخت در بخش کشاورزی، این رقم به زیر ۲ درصد رسیده است (۱۸). قانع شیرازی (۱۳۸۵) نیز به تخمین برآورد حمایت از تولیدکننده برای محصولات گندم، جو، خرما و پسته در ایران پرداخته است. نتایج این بررسی نشان داده است که عوامل به ظاهر قابل چشم‌پوشی مانند هزینه حمل و نقل داخلی ممکن است به برآوردی نادرست برای شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده منجر شوند (۹). از دیگر پژوهش‌هایی که به بررسی سیاست‌های حمایتی از خرما پرداخته است می‌توان به پژوهش شفيعی و بخشوده (۱۳۸۳) اشاره نمود که میزان حمایت سیاست خرید تضمینی محصولات پنبه، خرما، سیب زمینی در دوره‌ی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۱ در استان فارس بررسی کرده‌اند. بدین منظور از نرخ حمایت اسمی و موثر مستقیم جهت بررسی میزان مداخلات دولت استفاده شد. نتایج محاسبه نرخ حمایت

1- Organization for Economic Cooperation and Development
2- Producer Support Estimate
3- Consumer Support Estimate
4- General Services Support Estimate
5- Total Support Estimate

ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی تعریف می‌شود، که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌پردازان به تولیدکنندگان بخش کشاورزی منتقل می‌شود، این انتقال‌ها در اثر سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی و بدون توجه به ماهیت، اهداف و تأثیر این سیاست‌ها بر درآمد و تولید مزارع صورت می‌گیرد (۱۷). این شاخص بر اساس اختلاف قیمت داخلی محصول و قیمت معادل جهانی آن محاسبه می‌شود. هفت دسته دیگر تحت عنوان پرداخت‌های بودجه‌ای^۱ هستند که سایر پرداخت‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت به کشاورزان را شامل می‌شوند.

حمایت از قیمت بازاری (MPS): در اثر سیاست‌هایی که بین قیمت یک کالای خاص در سطح مزرعه و قیمت خارجی آن کالا شکاف ایجاد می‌کنند، از مصرف‌کنندگان و مالیات‌پردازان به تولیدکنندگان بخش کشاورزی پرداخت‌های ناخالصی منتقل می‌شود که این پرداخت‌ها در قالب حمایت از قیمت بازاری قرار می‌گیرند (۱۶).

برای محاسبه حمایت از قیمت بازاری، قیمت سرمزرعه^۲ یک محصول (P_d)، با قیمت مرجع تعدیل‌شده^۳ (P_m)، مقایسه می‌شود. منظور از قیمت مرجع تعدیل‌شده، قیمت کالا در سر مزرعه است که به وسیله هزینه‌های حمل و نقل، بارگیری، تخلیه، نگهداری و بازاریابی و ضریب تفاوت کالایی تعدیل شده است. نحوه محاسبه و تعدیل P_m برای کالاهای وارداتی و صادراتی به ترتیب در روابط (۱) و (۲) بیان شده است.

$$P_m = (E \times P_{CIF}) + TC_1 - TC_2 - Q_{adj} \quad (1) \quad \text{برای کالای وارداتی:}$$

$$P_m = P_{FOB} - TC_1 - TC_2 - Q_{adj} \quad (2) \quad \text{برای کالای صادراتی:}$$

که در آن:

E نرخ ارز، P_{CIF} قیمت کالای وارداتی در مرز کشور (به دلار)، P_{FOB} قیمت کالای صادراتی در مرز کشور (ریال یا دلار)، TC_1 کلیه هزینه‌های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه، نگهداری و بازاریابی کالای وارداتی از سر مزرعه تا بازار عمده‌فروشی (به ریال)، TC_2 کلیه هزینه‌های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه، نگهداری و بازاریابی کالای داخلی از مزرعه تا بازار عمده‌فروشی (به ریال)، Q_{adj} ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی (در این مطالعه، کیفیت خرما صادراتی و بازار داخلی همگن در نظر گرفته شده است) می‌باشند. به این ترتیب، روابط بالا قیمت کالاهای تولید داخل و وارداتی یا صادراتی را در سطح خاصی از بازار قابل مقایسه می‌کند. صرف نظر از صادراتی یا وارداتی بودن کالا، قیمت مرجع بوسیله هزینه‌های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه و

موثر مستقیم نشان داد که اتخاذ سیاست‌های یارانه‌ای و اعمال یارانه به نهاده‌های تولیدی نتوانسته است هزینه‌های واسطه‌ای را به حدی کاهش دهد که حمایت اسمی منفی را جبران نماید. بنابراین پیشنهاد شده است که حذف تدریجی دخالت‌های دولت می‌تواند ضمن صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت موجب تقویت بخش کشاورزی شود (۲۱). از دیگر پژوهش‌ها در زمینه‌ی سیاست‌هایی حمایتی می‌توان به، مطالعه، کیانی‌راد (۱۳۸۶) و رحیمی (۱۳۷۹) اشاره کرد (۱۳ و ۱۹).

مطالعه‌ی حاضر از معدود مطالعاتی است که به بررسی حمایت از تولیدکنندگان خرما در کشور با استفاده از روش تدوین شده از سوی سازمان همکاری‌های مشترک اقتصادی پرداخته است. همچنین سعی شده است تا همه‌ی اجزای حمایت از تولیدکنندگان خرما در قالب شاخص مذکور قرار بگیرد.

مواد و روش‌ها

برای بررسی حمایت از تولیدکنندگان خرما در ایران در این پژوهش از شاخص‌های تدوین شده توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی استفاده می‌شود. مهمترین تفاوت بین معیار حمایت از تولیدکننده و معیار کلی حمایت در جز حمایت قیمتی است. در معیار کلی حمایت، قیمت تضمینی برای مقایسه‌ی با قیمت جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که خرید تضمینی انجام نشود، هیچ حمایت قیمتی از محصول انجام نشده است. در صورتی که در معیار حمایت از تولیدکننده، قیمت داخلی با قیمت جهانی مقایسه می‌شود و تفاضل این دو قیمت به عنوان حمایت از قیمت بازاری تعریف می‌شود. در تعریف قیمت داخلی برای محاسبه‌ی حمایت از قیمت بازاری بیان می‌شود که، قیمت داخلی در بازاری تعیین می‌شود که از قیمت تضمینی، سیاست‌های تنظیم بازار، سیاست‌های مرزی (مانند تعرفه‌ها و یارانه‌های صادراتی) متأثر شده است، بنابراین استفاده از قیمت داخلی معیار مناسب‌تری برای در نظر گرفتن همه‌ی سیاست‌هایی است که بر تفاضل قیمت داخلی و جهانی تأثیر دارند. از سوی دیگر قیمت تضمینی که در معیار کلی حمایت استفاده می‌شود بدون در نظر گرفتن تعدیلاتی مانند هزینه‌های حمل و نقل و ضریب تفاوت کالایی، با قیمت جهانی مقایسه می‌شود، در صورتی که در معیار حمایت از تولیدکننده این نوع از تعدیلات در نظر گرفته می‌شود. در مجموع هدف هر دو معیار بیان شده اندازه‌گیری حمایت کل از محصولات بخش کشاورزی است که با توجه به شرایط از آنها استفاده می‌شود.

شاخص حمایت از تولیدکنندگان، همه‌ی سیاست‌های حمایت از تولید در هر کشور را شامل می‌شود. سیاست‌های حمایتی تدوین شده در سطح جهان در هشت طبقه، تقسیم‌بندی می‌شوند. اولین دسته، حمایت از قیمت بازاری محصولات هستند که به عنوان شاخصی از

1- Budget payments

2- Market Price Support

3- Adjusted reference price

۴- این فرض در کشورهای صادرکننده‌ی محصولات مختلف در سازمان همکاری‌های مشترک اقتصادی نیز در نظر گرفته می‌شود.

که اگر به جای نرخ ارز رسمی از نرخ ارز تعدیل شده استفاده گردد، برآورد PSE برای روسیه در سال ۱۹۹۴ از رقمی منفی به رقمی مثبت تغییر پیدا می کند (۱۵). دیون و همکاران (۲۰۰۱)، نشان داده اند که استفاده از PPP تعدیل شده در مقایسه ی میزان حمایت بین کشورهای مختلف، نتایج دقیق تری را نسبت به نرخ ارز رسمی حاصل می کند (۶). در بسیاری از پژوهش های داخلی از جمله، یزدانی و عزیززی (۱۳۸۳)، بستاک (۱۳۸۱)، حاجی رحیمی (۱۳۷۶) نیز از این معیار استفاده نموده اند (۲، ۴ و ۱۹). به صورت اصولی تر، می توان از مدل های اقتصاد کلان پیشرفته برای برآورد نرخ ارز تعادلی و ارزیابی اثر انحرافات نرخ ارز بر PSE استفاده نمود. تعدیلات نرخ ارز می تواند برای کشورهای در حال توسعه بسیار مهم باشند، زیرا عدم تعادل نرخ ارز در این کشورها می تواند بسیار زیاد و پایدار باشد.

در این پژوهش برای محاسبه نرخ ارز واقعی، از تعریف این نرخ، بر مبنای نظریه برابری قدرت خرید استفاده می شود. بر اساس این نظریه نرخ ارز واقعی از طریق حاصل ضرب نسبت قیمت های خارجی به قیمت های داخلی در نرخ ارز اسمی بدست می آید. در بسیاری از موارد، به جای استفاده از نسبت قیمت ها بر نسبت شاخص های قیمت تأکید شده است (۸). برای محاسبه نرخ ارز واقعی از روش برابری قدرت خرید به عنوان یکی از راه گزین ها در کنار نرخ ارز رسمی و آزاد استفاده می شود. در این روش نرخ ارز سایه ای بصورت زیر محاسبه شده است:

$$E_{PPP} = \frac{P_I}{P_I^*} \cdot E_0 \quad (5)$$

که در آن P_I شاخص قیمت مصرف کننده داخلی، P_I^* شاخص قیمت مصرف کننده آمریکا (به دلیل همگرایی بالای شریک های تجاری ایران با آمریکا و همچنین دوره ی زمانی این مطالعه امکان محاسبه ی نرخ ارز بر مبنای یورو وجود ندارد) و E_0 نرخ ارز رسمی در کشور است.

به طور کلی سیاست های حمایتی بخش تولید کشاورزی در ایران، به سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی: گندم، جو، برنج، ذرت، دانه های روغنی، آفتابگردان، حبوبات و...، یارانه های تولید کشاورزی (از جمله، کودهای شیمیایی، سموم، سوخت، وام ها) و بیمه محصولات کشاورزی تقسیم می شوند (۲۲).

با توجه به سیاست های حمایتی بخش تولید خرما ایران، برای محاسبه میزان حمایت انجام شده از تولیدکنندگان خرما موارد زیر به ترتیب انجام خواهد شد:

الف) بر اساس اختلاف قیمت متوسط داخلی و جهانی، هزینه های حمل و نقل و بارگیری و سایر هزینه ها و مقدار تولید، میزان حمایت قیمتی برای محصولات مورد نظر محاسبه می شود.

ب) بر اساس میزان استفاده تولید خرما از نهاده های مختلف

بازاریابی کالای تجاری، از سرمرز تا بازار عمده فروشی داخلی، هزینه های بارگیری، حمل و نقل، تخلیه و بازاریابی کالای تولید داخل، از سرمرز تا بازار عمده فروشی داخلی و ضریب تعدیل تفاوت کالای داخلی و تجاری، تعدیل می شود. بنابراین، شکاف قیمتی در سطح مزرعه، برای هر واحد از محصول، به صورت اختلاف قیمت داخلی و قیمت مرجع تعدیل شده محاسبه می شود:

$$\Delta P = P_d - P_m \quad (3)$$

در بهترین حالت، ΔP تمام اختلافات یا تفاوت های قیمتی بین P_m و P_d را در بر می گیرد، که بوسیله مداخلات مشهود (مانند قیمت تضمینی) و غیرمشهود (مانند موانع تجاری) سیاستی ایجاد شده اند.

پرداخت های بودجه ای (BP): این نوع از پرداخت ها بواسطه ی

هزینه ی دولت از محل بودجه تأمین می شوند، که پرداخت بر اساس میزان محصول، سطح زیر کشت یا تعداد دام، سابقه ی مشارکت در برنامه های کشاورزی، استفاده از نهاده های یارانه ای، محدود کردن استفاده از نهاده های خاص، درآمد کلی کشاورزان و سایر پرداخت ها را شامل می شوند (۱۶).

برای بررسی روند تغییرات حمایت در طول زمان و مقایسه تطبیقی بین برنامه های توسعه از شاخص فرعی درصد حمایت از تولیدکنندگان استفاده می شود. این شاخص، نسبت دریافتی بخش کشاورزی (یا کالای خاص) در نتیجه دخالت های مستقیم و غیرمستقیم دولت، به کل دریافتی های ناخالص بخش کشاورزی (یا کالای خاص) را نشان می دهد و از رابطه ی زیر قابل محاسبه است:

$$\%PSE = \left(\frac{MPS + BP}{VP + BP} \right) * 100 \quad (4)$$

که در آن، VP ارزش کل تولید بخش کشاورزی (یا کالای خاص) بر مبنای قیمت داخلی است (۱۶).

برای محاسبه قیمت مرجع به نرخ ارز نیاز است. اکثر پژوهش ها در ارتباط با حمایت از تولیدکنندگان از نرخ ارز اسمی (رسمی) در محاسبه ها استفاده نموده اند. در مخالفت با این امر، کروگر، اسپچیف و والدز (۱۹۹۲)، در تحلیل خود از سیاست قیمت گذاری کشاورزی کشورهای در حال توسعه، اثر انحرافات نرخ ارز را با استفاده از روش تجزیه ارزیابی نمودند (۱۴). همچنین، هارلی (۱۹۹۶)، با استفاده از روش تجزیه اثر تغییرات اجزای مختلف حمایت از تولیدکننده، از جمله نرخ ارز را بر تغییرات سالانه آن ارزیابی نمود (۱۰). در سایر پژوهش ها نیز معمولاً از نرخ های ارز تعدیل شده (سایه ای) که عمدتاً بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) است، استفاده نموده اند. به عنوان مثال، لایفرت و همکاران (۱۹۹۶)، نشان داده اند

- 1 - Decomposition method
- 2 - Adjusted (shadow) exchange rates
- 3 - Purchasing Power Parity

که، براساس نرخ ارز رسمی تا پیش از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز پس از سال ۱۳۸۰، حمایت از قیمت بازاری همواره مثبت بوده و به بیان دیگر، قیمت داخلی خرما بیشتر از قیمت صادراتی تعدیل شده بوده است، در حالی که بر مبنای نرخ ارز آزاد در همه سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه این حمایت همواره منفی بوده و به نوعی مالیات پنهانی از تولیدکنندگان خرما اخذ شده است. یکی از مناسب‌ترین معیارهای نرخ ارز برای بررسی سیاست‌های حمایتی، استفاده از نرخ ارز سایه‌ای (واقعی) بر مبنای برابری قدرت خرید است. بنابراین، میانگین حمایت از قیمت بازاری در هر هکتار در برنامه‌ی اول و دوم توسعه، منفی و به ترتیب برابر ۳۹۷۶۰۲۵۹ و ۷۵۶۸۵۳ ریال، در برنامه سوم، ۸۶۸۷۸ و در برنامه چهارم توسعه منفی و برابر ۲۲۵۲۱۴۳ بوده است (جدول ۱) که از این دیدگاه برنامه سوم توسعه موفق‌ترین برنامه توسعه اقتصادی در ارتباط با تولیدکنندگان خرما است.

از سوی دیگر، پرداخت‌های بودجه‌ای بر اساس نرخ ارز سایه‌ای (PPP) وضعیت متفاوتی نسبت به حمایت از قیمت بازاری دارند. برنامه اول، چهارم، سوم و دوم توسعه اقتصادی، با پرداخت‌های بودجه‌ای معادل، ۱۷۲۸۷۵۸۶، ۳۹۸۴۷۲۲۴، ۲۲۱۲۳۷۵، ۱۹۸۲۵۶۷ در هر هکتار خرما، به ترتیب بیشترین پرداخت‌های بودجه‌ای را دارند (جدول ۱). با توجه به این که این نوع پرداخت‌ها، یارانه‌های اعطایی به نهاده‌ها و بیمه محصولات کشاورزی را شامل می‌شوند و منابع تأمین آنها بودجه‌ی دولت از محل درآمدهای نفتی و مالیاتی است، بنابراین می‌توان گفت، برنامه دوم و سوم توسعه با کمترین مقدار، در این نوع از سیاست‌های حمایتی موفق‌ترین برنامه‌ی اجرا شده تاکنون به شمار می‌رود. این نتیجه در شکل ۱ نیز قابل مشاهده است.

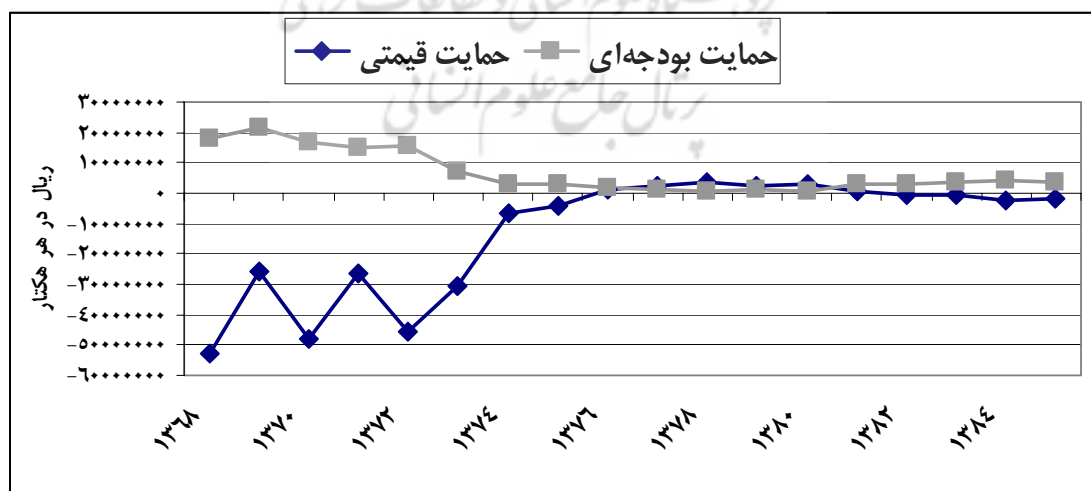
(کودهای اوره و پتاس، سموم دفع آفات و سوخت برای استحصال آب)، اختلاف قیمت یارانه‌ای و مرزی نهاده‌های مورد استفاده و هزینه‌های حمل و نقل و بارگیری و سایر هزینه‌ها، میزان حمایتی که به شکل یارانه نهاده از خرما صورت می‌گیرد، با استفاده از روابط ۱ و ۲، مشابه آنچه که در مورد قیمت بازاری بیان شد، محاسبه خواهد شد.

ج) میزان یارانه تعلق گرفته به بیمه خرما، به عنوان جزء دیگر پرداخت‌های بودجه‌ای است که از سهم دولت از میزان حق بیمه پرداختی تولیدکنندگان، محاسبه می‌شود. برای این منظور از آمار و اطلاعات صندوق بیمه کشور در رابطه با میزان حق بیمه‌های دریافتی استفاده شده است. به این ترتیب، از حاصل جمع حمایت از قیمت بازاری و مجموع پرداخت‌های بودجه‌ای برای تولید خرما، میزان حمایت از تولیدکنندگان خرما محاسبه می‌شود و مجموع این حمایت بر مبنای هر هکتار و درصد حمایت از تولیدکنندگان بیان می‌شود، لازم به ذکر است که برای بررسی دقیق‌تر برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، مقادیر بدست آمده برای حمایت از تولیدکنندگان خرما با استفاده از شاخص قیمت تولیدکننده به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ تبدیل شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

میزان حمایت از تولیدکنندگان خرما بر مبنای روش مورد استفاده در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های مشترک اقتصادی و بسیاری از کشورهای غیرعضو، در سال‌های اجرای برنامه‌های اول تا سوم و دو سال ابتدایی برنامه چهارم توسعه برآورد شد. برای بررسی دقیق‌تر، نرخ‌های ارز متفاوتی (ارز رسمی، آزاد و واقعی بر مبنای قدرت برابری خرید) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج در جدول ۱ نشان می‌دهد

(شکل ۱) - حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای بر حسب نرخ ارز سایه‌ای به قیمت ثابت ۱۳۷۶



جدول ۱- حمایت‌های قیمتی و بودجه‌های از تولیدکنندگان خرما در نرخ‌های ارز متفاوت به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (مهر هکتار - ریال)

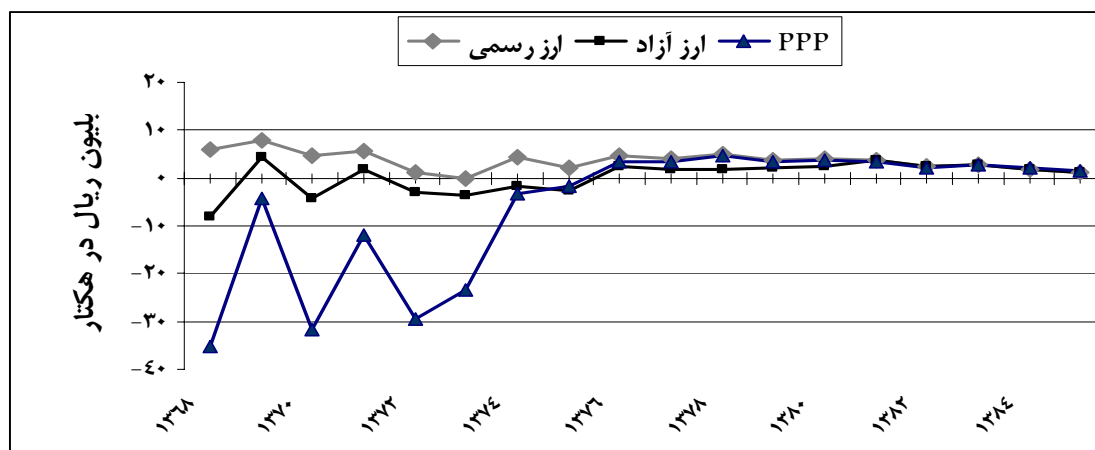
برنامه‌های توسعه	سال	برحسب نرخ ارز رسمی			برحسب نرخ ارز آزاد			برحسب PPP
		حمایت از قیمت بازاری	حمایت بودجه‌ای	حمایت از قیمت بازاری	حمایت بودجه‌ای	حمایت از قیمت بازاری	حمایت بودجه‌ای	
برنامه اول توسعه	۱۳۷۸	۴۴۰۳۸۳٫۲	۲۱۷۸۴۱۵	-۱۵۲۵۳۶۵	۷۱۲۲۳۰	-۵۲۹۱۳۶۹	۱۷۷۷۷۲۱	
	۱۳۷۹	۵۵۲۳۳۱۱	۲۲۹۱۲۱۷	-۳۳۰۵۶۵٫۶	۷۸۸۸۷۱۱	-۲۵۷۰۸۷۷	۲۱۶۵۹۰۴	
	۱۳۸۰	۲۱۷۸۱۳۱٫۱	۲۱۴۵۱۰	-۹۸۴۲۹۴٫۹	۵۲۵۶۵۵	-۴۸۲۳۵۷	۱۶۵۸۳۵۱	
	۱۳۸۱	۳۴۰۱۶۷٫۶	۲۲۳۲۸۱۱	-۳۲۸۲۱۶٫۲	۵۱۵۱۲۹۸	-۳۱۵۹۸۳۳	۱۴۸۰۰۴۸۹	
	۱۳۸۲	-۱۸۴۲۸۸۴٫۳	۲۹۵۸۷۵۵	-۷۶۱۰۸۸٫۱	۴۵۷۷۰۴۵	-۴۵۲۵۷۰۱	۱۵۸۲۰۰۷۵	
میانگین		۲۸۱۲۲۲٫۱	۲۳۰۲۴۴۳٫۴	-۷۸۱۶۵۵٫۵۵۵	۶۰۳۲۱۲٫۶	-۳۹۷۰۲۵۹٫۳	۱۷۲۸۷۵۸٫۹	
سال میان برنامه	۱۳۷۳	-۲۲۰۲۵۷۰٫۷	۱۲۱۲۲۰۹	-۶۵۷۵۰۲۲٫۴	۲۷۹۸۸۰	-۳۰۷۴۳۳۴	۷۴۳۷۷۶۱	
	۱۳۷۴	۲۹۵۵۲۱٫۸	۱۲۸۵۹۲	-۴۴۷۰۲۳٫۶	۲۸۱۲۴۱۰	-۶۵۹۸۰۸٫۴	۳۲۸۰۰۷	
	۱۳۷۵	۷۸۱۴۴۳٫۲	۱۴۵۳۳۱۵	-۵۸۷۸۰۳۸٫۶	۳۲۱۶۰۵۶	-۴۴۳۹۳۷٫۴	۲۷۸۷۳۱۱	
	۱۳۷۶	۳۴۱۸۷۰۵٫۹	۱۱۰۵۷۰۷	-۸۸۱۰۰۳	۲۵۵۵۴۲	۱۳۲۹۹۳۰٫۷	۱۹۵۵۱۴۹	
	۱۳۷۷	۳۲۷۱۳۴۱	۷۰۲۴۷۴٫۷	-۴۳۴۴۳۳٫۲	۲۱۱۲۹۵	۲۱۸۷۰۰۳	۱۰۲۷۷۶۱	
میانگین		۴۲۹۳۳۴٫۵	۶۵۶۸۱۶	-۱۰۸۸۷۵۵	۲۷۴۷۲۷	۳۲۳۷۸۷۲٫۷	۸۱۲۲۴٫۳	
برنامه سوم توسعه	۱۳۷۹	۲۹۶۱۸۹٫۳	۱۰۶۱۳۶۱٫۱	-۳۲۸۰۲۳٫۳	۲۷۰۳۱۵۵٫۹	-۷۵۶۸۵۳٫۲	۱۹۸۲۵۲۷٫۳	
	۱۳۸۰	۲۸۴۷۳۳۱٫۱	۸۴۴۴۶٫۶	-۱۴۴۹۶۵٫۳	۳۶۴۳۳۴	۲۶۱۲۲۴۲٫۲	۱۰۲۴۴۹۹	
	۱۳۸۱	۳۲۸۶۳۱۴٫۲	۲۱۳۳۶۱۱٫۷	-۵۱۱۲۵۰٫۸	۲۸۴۷۵۴۶	۱۹۲۹۸۰۰٫۵	۷۸۱۲۹۰۳	
	۱۳۸۲	۱۴۰۰۰۹۵٫۱	۲۴۳۰۶۹۳	۱۳۶۶۶۶۷٫۷	۲۶۶۶۴۱	۵۲۱۲۶۰	۲۹۱۷۱۰	
	۱۳۸۳	-۳۴۵۴۸۶٫۹	۲۲۳۲۱۲	-۳۶۸۵۷۸٫۹	۲۷۵۴۴۷	-۸۹۲۳۶٫۶	۳۰۲۵۸۸۲	
میانگین		-۶۳۱۸۱۲٫۷	۳۲۳۵۵۰۶	-۶۴۷۹۵۰٫۲	۲۳۲۲۲۲	۳۳۲۵۵۶		
برنامه چهارم توسعه	۱۳۸۴	۱۳۱۱۷۸۰٫۵	۱۹۹۰۰۰۰٫۰	-۳۲۰۲۸۹٫۶	۳۰۱۴۷۸۱٫۷	-۸۸۸۷۸٫۳	۲۲۱۳۳۵۰٫۱	
	۱۳۸۵	-۲۸۵۰۸۵۵٫۶	۴۷۳۰۲۵۴	-۲۸۱۳۳۴۴٫۹	۴۷۶۰۸۰	-۲۴۰۹۱۵۰٫۳	۴۴۹۶۲۳	
	۱۳۸۶	-۲۹۴۸۴۳۳٫۱	۴۰۱۱۰۷۶	-۲۹۷۰۳۳۳٫۸	۴۰۴۴۴۸۸	-۲۰۴۳۳۳۳٫۱	۳۴۹۹۷۶	
	۱۳۸۷	-۲۸۹۹۱۷۴٫۳	۴۳۷۰۶۱۴٫۷	-۲۱۹۷۸۴٫۳	۴۴۰۶۷۸۳٫۸	-۲۲۵۱۴۳۶٫۶	۳۹۴۵۲۴٫۷	
	میانگین		۱۵۲۵۹۶۶٫۱	۲۰۸۵۲۹۹۰	-۳۱۲۳۴۹۰٫۵	۳۹۰۴۴۴۹٫۱	۶۸۲۳۳۵٫۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تولیدکنندگان انجام داده است. درحالی‌که بر اساس نرخ‌های ارز آزاد و واقعی این حمایت‌ها به مراتب کمتر و در سال‌های ابتدایی برنامه‌های توسعه منفی بوده است و می‌توان گفت، به جای حمایت، از تولیدکنندگان خرما مالیاتی پنهان اخذ شده است.

میزان حمایت کل در هر هکتار در شکل ۲ نشان داده شده است. تا قبل از سیاست یکسان سازی نرخ ارز، میزان حمایت در هر هکتار بر مبنای نرخ ارز رسمی همواره مثبت بوده است و سیاست‌گذار با تضعیف نرخ ارز در مقابل ریال، بصورت تصنعی حمایت مثبتی را از

(شکل ۲) - میزان حمایت از هر هکتار تولید خرما به قیمت سال ثابت ۱۳۷۶



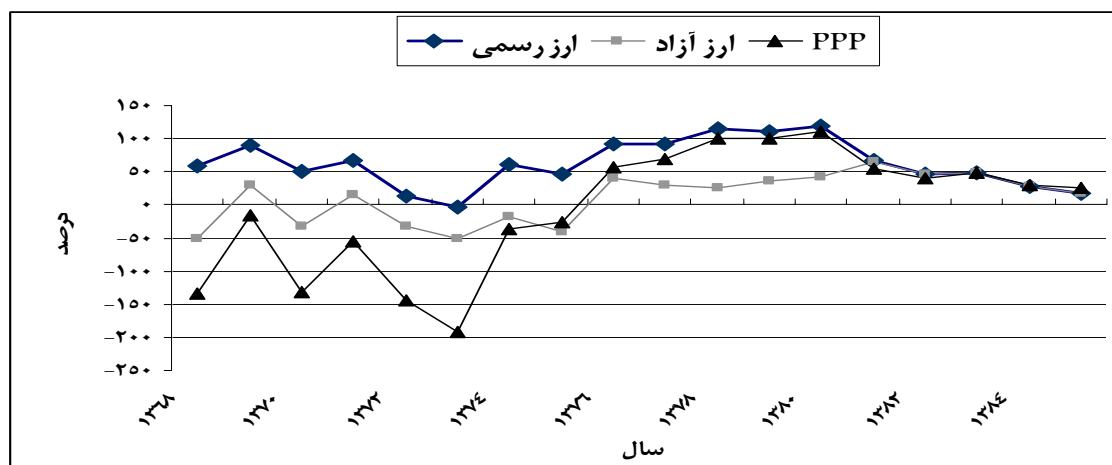
ماخذ: یافته‌های پژوهش

تعاونی تولیدکنندگان خرما (مانند شرکت تعاونی پسته رفسنجان) و یافتن بازارهای هدف مناسب‌تر برای این محصول، حمایت از قیمت بازاری افزایش خواهد یافت و در صورت موفقیت این سیاست، می‌توان سیاست‌های حمایتی در قالب پرداخت‌های بودجه‌ای را هدفمندتر کرد تا هزینه‌ی دولت بابت اجرای این پرداخت‌ها کاهش یابد. به بیان دیگر پرداخت‌های بودجه‌ای را به کشاورزان نمونه و با عملکرد بالا اعطا نمود تا علاوه بر تشویق آنها، سایر تولیدکنندگان نیز برای بهبود عملکرد، از شیوه‌های مناسب‌تر تولید استفاده نمایند تا با توانمندشدن آنها به تدریج حمایت‌های بودجه‌ای حذف شده و تولید در کشور به سمت سازوکار بازار حرکت کند. همچنین سیاست‌های ارزی و تعیین نرخ ارز توسط دولت در بسیاری از سال‌ها باعث شده است تا جهت و روند حمایت از تولیدکنندگان خرما تغییر کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود، دولت در تعیین نرخ ارز رسمی به اثرات آن بر مقدار حمایت از بخش کشاورزی توجه ویژه‌ای داشته باشد.

برای بیان دقیق‌تر نتایج و مقایسه‌ی برنامه‌های توسعه، از شاخص فرعی درصد حمایت از تولیدکننده (PSE%)، استفاده شد. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، این شاخص بر مبنای نرخ ارز رسمی همواره مقداری مثبت داشته و به نوعی نشان دهنده‌ی حمایت از تولیدکنندگان خرما است، ولی بر مبنای نرخ ارز آزاد وضعیت متفاوت است، در سال‌های برنامه‌ی اول توسعه نمودار سینوسی است که نشان از عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌هاست و از اواسط برنامه دوم به بعد وضعیت دارای ثباتی نسبی شده است. این شاخص بر اساس نرخ ارز سایه‌ای در برنامه دوم و سوم، تا پیش از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، روندی صعودی داشته است (به نوعی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، شوکی را در سال‌های بعد از خود به جای گذاشته است). این شاخص، برنامه دوم توسعه اقتصادی را با محوریت بخش کشاورزی و برنامه سوم را در حمایت از تولیدکنندگان خرما موفق‌تر از سایر برنامه‌ها ارزیابی می‌کند.

سیاست حمایت از قیمت بازاری در بیشتر سال‌های مورد مطالعه منفی بوده است، یعنی قیمت صادراتی تعدیل شده بیشتر از قیمت تولیدکننده است، بنابراین در صورت افزایش سهم تولیدکنندگان خرما از قیمت صادراتی با سازوکارهای موجود از جمله تأسیس شرکت‌های

(شکل ۳) - درصد حمایت از تولیدکنندگان خرما در ایران



ماخذ: یافته‌های پژوهش

منابع

- 1- Abbasian M., Karim Koshte M. H., and Karbasi A.R. 2007. Economic Analysis of Marketing Margin for Mazafati Date's: Case Study of Sistan & Baluchestan Province, Journal of Agricultural Sciences Natural Resource, 14(1).
- 2- Azizi J., and Yazdani S. 2004. Determination Comparative Advantage of Horticultural Products of Iran, EQTESAD-E KESHAVARZI VA TOWSE'E; 12(54):103-124.
- 3- Azizi J., and Yazdani S. 2007. Investigation Stability Income of Export Date of Iran, Journal of Agricultural Sciences Islamic Azad University, 13(1): 1-19.
- 4- Bostaki M. 2007, The Effect of Government Protection Policies in The Agricultural Sector..(Case Study: Animal Husbandry and Poultry Sub-Sector), Pajouhesh-va-Sazandegi, 19(4 (73 IN ANIMAL AND FISHERIES SCIENCES)):12-20.
- 5- Cakmak E. 2003, Evaluation of the past and future agricultural policies in Turkey, Middle East Technical University, Ankara.
- 6- Doyon M., Paillat N. and Guion D. M. 2001. Critical Analysis of the Concept of the Producer Subsidy Equivalent in the Dairy Sector (Dairy PSE), Groupe de recherche en économie and politique agricoles (GREPA), Université Laval, Nov. 13.
- 7- Emadzade M., Akbari N., and Ghasemi M. 2003. Floor Price Estimation of Shahani Date a Case Study of Jahrom in Fars Province, EQTESAD-E KESHAVARZI VA TOWSE'E, 10(40):67-88.
- 8- Farzinvas A. 1993. Regulation Exchange Rate in Developing Country, Monetary and Bank Research Institute. Tehran.
- 9- Ghaneshirazi A. 2006. Evaluation Support Policies in OECD Country and Effect on Internal Market of Iran: Case Study Wheat, Barley & Date, MSc Thesis, Azad University, Tehran.
- 10- Harley M. 1996. Use of Producer Subsidy Equivalents as a Measure of Support to Agriculture in Transition Economies, American Journal of Agricultural Economics, No. 78(August): 799-804.
- 11- Hosseini Darvishani, M, Ghribreza, e. 2004. Investigation and Comparison Support Policies in Agriculture Sector of Iran and World. Conference of Agriculture & National Development, Tehran.
- 12- Kazemzade L., and Abunoori A. 2006. Estimation of The Expot Supply and Demand Function For Iranian Dates (Using The Pattern of Simultaneous Equations System), EQTESAD-E KESHAVARZI VA TOWSE'E; 14(54):103-124.
- 13- Kianirad A. 2007. Agricultural Producer Support Estimate (PSE) in Developing Country: Problems if Iran, Sixth Annual Conference of Agricultural Economic, Mashhad, Iran.
- 14- Krueger A., Schiff M. and Valdés A. 1992. The Political Economy of Agricultural Pricing Policy, Vol.15, Washington, DC: Johns Hopkins University Press.
- 15- Liefert W., Sedik D., Koopman R., Serova E. and Melyukhina O. 1996. Producer Subsidy Equivalents for Russian Agriculture: Estimation and Interpretation, American Journal of Agricultural Economics,

- No. 78(August): 792-798.
- 16- OECD. 2005, Agricultural Policies in OECD Countries, Monitoring and Evaluation, OECD, Paris.
- 17- OECD. 2002, Methodology for the measurement of support use in policy evaluation, OECD, Paris.
- 18- Perme Z., and Seyedi M. 2003. Support Policies, International Viewpoint and Agricultural of Iran, Conference of Agriculture & National Development, Tehran.
- 19- Rahimi A. 2000. Support Policies From Agricultural: Case Study Livestock And Aqua, Rusta & Towse'e Press, No 37, Tehran.
- 20- shajari SH. 2002. Study of Marketing and Export Problems of Date: A Case Study of Jahrom in Fars Province, EQTESAD-E KESHAVARZI VA TOWSE'E, 10(39):141-168.
- 21- Shafiei H., and bakhshoode M. 2005. A Study of Guaranteed Purchasing Policy as a Crop Protection Measure for Cotton, Dates, Potatoes, Onions and Raisins in Fars Province, Iranian Journal Agricultural Sciences. 36(3).
- 22- --- 2005, Process of Mutation Agricultural Policies in Iran (Experience of others Country), Ministry of jihad –e Agriculture, Agricultural Planning & Economic Research Institute.

